

Characteristics and artistic symbols of Mazaristan, Takhte Foulad of Isfahan

Sayed Ahmad Aghili¹

Abstract

The Takhte Foulad cemetery is one of the most prestigious cemeteries in the Islamic world. The history of this cemetery dates back to pre-Islamic times. One of the important aspects of Takhte Foulad Cemetery is its place in the history of Iranian art and architecture. The presence of outstanding architectural works combined with notable artistic materials in various styles from different historical periods, especially from the Safavid period onwards, has given this place special importance. Takhte Foulad Cemetery has been the site of the most beautiful artistic masterpieces throughout various historical periods and once upon a time, it attracted the greatest calligraphers, sculptors, and artists to learn from the unique art of calligraphy of Mir Emad in the Mir Fenderski Tekiye and Agha Mohammad Baqir Semsuri in the Madar Shahzadeh Tekiye. This article briefly introduces some of the prominent artistic aspects of this shrine.

Keywords: Takhte Foulad, Paintings, Artistic effects, Architectural style, Calligraphy, Material history.

The second year

Number Five

Autumn 2024

1. Associate Professor and Academic Membership, Center for Islamic Studies and Persian Literature, Isfahan University of Technology

الملاحح و الرموز الفنية لمزارات تخت فولاد أصفهان

سيد احمد عقيلي^١

الخلاصة

يعتبر مزار تخت فولاد واحد من المقابر الأكثر شهرة في العالم الإسلامي. يعود تاريخ هذه المقبرة إلى ما قبل الإسلام. أحد الجوانب المهمة لتخت فولاد هو مكانته في تاريخ الفن والعمارة الإيرانية. إن وجود أعمال معمارية متميزة ومزوجة بمواد فنية مميزة بأنماط مختلفة من فترات تاريخية مختلفة، وخاصة من العصر الصفوي فصاعداً، أعطى هذا المكان أهمية خاصة. لقد كان تخت فولاد موقِعاً لأجمل التحف الفنية في مختلف الفترات التاريخية. وقد استقطبت في وقتٍ ما أعظم الخطاطين والنحاتين والفنانين للتعلم من فن الخط الفريد للمير عماد في تكية مير فندرسكي والآغا محمد باقر سمسوري في تكية ام الشاهزاده. تقدم هذه المقالة نبذة مختصرة عن بعض الجوانب الفنية البارزة لهذا المزار.

الكلمات المفتاحية: تخت فولاد ، زخارف، تأثيرات فنية، أسلوب معماري، خط، مادة تاريخية



فصل نامه
علمی
مطالعات
بافتار و
اماتن
متبركه

١. أستاذ مشارك وعضو أكاديمي في مركز الدراسات الإسلامية والأدب الفارسي بالجامعة التكنولوجية - أصفهان

شاخصه‌ها و نمادهای هنری مزارستان تخت فولاد اصفهان

مقاله ترویجی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۴

سید احمد عقیلی^۱

چکیده:

مزار تخت فولاد یکی از معتبرترین قبرستان‌های جهان اسلام است. پیشینه این گورستان به دوران پیش از اسلام می‌رسد. یکی از ابعاد مهم تخت فولاد جایگاه آن در تاریخ هنر و معماری ایران می‌باشد. وجود آثار معماری برجسته توأم با نمادهای هنری شاخص با سبک‌های گوناگون از ادوار مختلف تاریخی به خصوص از دوره صفویه به بعد اهمیت خاصی به این مکان داده است. تخت فولاد در ادوار گوناگون تاریخی تجلی‌گاه زیباترین شاهکارهای هنری بوده است. روزگاری بزرگ‌ترین خوشنویسان، حجاجان و هنرمندان را به خود جذب می‌کرد تا در آن از هنر خطاطی بی‌نظیر میرعماد در تکیه میرفندرسکی و آقا محمدباقر سمسوری در تکیه مادر شاهزاده تعلیم گیرند. این مقاله به صورت مروری به معرفی برخی از وجوه هنری برجسته این مزار می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: تخت فولاد، نقوش، جلوه‌های هنری، سبک معماری، خوشنویسی، ماده‌تاریخ

۱. مقدمه

در جنوب شرقی شهر اصفهان یکی از مهم‌ترین گورستان‌های تاریخی جهان اسلام با گنجینه‌ای ارزشمند از مقابر و مشاهد بزرگان قرار گرفته است. این گورستان در کنار مزارهایی چون گورستان بقیع در مدینه منوره، قبرستان ابوطالب در مکه مکرمه و گورستان وادی‌السلام در نجف اشرف، از مهم‌ترین و متبرک‌ترین مراقد جهان اسلام محسوب می‌شود.

مساحت مزار تخت فولاد اکنون حدود ۷۵ هکتار است که از شمال به خیابان میر از جنوب به خیابان سعادت‌آباد و محوطه دانشکده‌ی پرواز و از شرق به خیابان سجاد و خیابان بهار و از غرب به خیابان مصلی (آب ۲۵۰) محدود می‌شود. همچنین بقعه میرزا رفیعا و تکایای بروجردی و ریزی در حاشیه جنوبی خیابان سعادت‌آباد قرار دارند.

از این گورستان در کتب تاریخی به نام‌های لسان الارض، بابا رکن‌الدین و تخت فولاد یاد شده است. امروزه مجموعه مزارات این گورستان عظیم را تخت فولاد می‌نامند و وجه تسمیه آن را می‌توان به‌واسطه وجود عبادتگاه و قبر **بابا فولاد حلوائی** (متوفی ۹۵۹ هجری) در مرکز مخابرات فیض امروزی دانست که سنگ قبر این عارف عالم یکی از مهم‌ترین علل نام‌گذاری این قبرستان به «تخت فولاد» ذکر شده است. از دیگر دلایلی که در وجه تسمیه این قبرستان نقل می‌کنند آن است که این قبرستان در گذشته تا کنار پل خواجه وسعت داشته است و از آنجا که در گذشته به‌جای پل خواجه سنگ‌هایی بافاصله وجود داشته که روی آن تخته می‌گذارند و از آن عبور می‌کردند شاید کلمه تخت فولاد تغییر شکل یافته لغت «تخته پل‌ها یا تخته پل لاد» باشد. یعنی پُلی که از تخته درست شده است. «لاد» در فارسی به معنی بنا و «پل» هم در اصل «پول» است. مثل کلمه دزفول (دزپول). (همایی، ۱۳۸۱: ۴۵۸)

این نظریه نیز تا حدودی قابل پذیرش است. زیرا نام بسیاری از مکان‌ها و شهرهای تاریخی ایران در نتیجه تحریف لغات و گذشت زمان ایجاد شده است.

۲. تخت فولاد در ادوار تاریخ

پیشینه این گورستان به‌واسطه وجود قبر منسوب به یوشع نبی از پیامبران بنی‌اسرائیل در تکیه لسان الارض به دوران پیش از اسلام می‌رسد. هرچند وجود مقبره یوشع بن نون وصی حضرت موسی در فلسطین احتمال وجود قبر این پیامبر الهی را در لسان الارض ضعیف می‌کند. اقا شاید بتوان گفت، این مقبره متعلق به یکی از بزرگان یا صالحین بنی‌اسرائیل است (عقیلی، ۱۳۸۵: ۷-۸).

آثار دیگری از دوران پیش از اسلام در این گورستان به دست نیامده است. تا دو دهه پیش لسان الارض با دیواری کهنه محصور بود که به گفته برخی از کارشناسان میراث فرهنگی در بعضی قسمت‌های آن آثار آجری سبک دیلمی به‌خوبی آشکار بوده است.

از وضعیت تخت فولاد در قرون پنجم تا هفتم هجری اطلاعات زیادی در دست نیست. لیکن کشف تعدادی سنگ قبر با خطوط کوفی و نسخ با تاریخ‌های ۵۶۷ و ۶۸۶ هجری نشان از قدمت آن به این دوره تاریخی دارد. چنان‌که در خبری دیگر نیز از دوره سلجوقیان اشاره به این قبرستان و

بناهای مجلل موجود در آن شده است. (نور صادقی، ۱۳۵۴: ۱۶) از قرن‌های هفتم تا دهم هجری مزار تخت فولاد یکی از جایگاه‌های عبادت و ریاضت بوده است که عرفا و زهادی همچون بابا رکن‌الدین و بابا فولاد در آنجا برای خود عبادتگاه ساخته و به راز و نیاز مشغول بودند. در قرن هفتم و هشتم هجری عده‌ای از عرفای بزرگ که به «بابا و یا عمو» شهرت داشتند در این زمین متبرک ساکن بوده‌اند که مشهورترین آنان «بابا رکن‌الدین» عارف متوفی ۷۶۹ هجری است که مزار وی مورد توجه و عنایت علمای بزرگی همچون شیخ بهایی و مولی محمدتقی مجلسی و آیت‌الله سید عبدالکریم کشمیری و حاجی کلباسی بوده است. بابا رکن‌الدین در عبادتگاه خویش مدفون گردید و پس از دفن وی در این محل، آن را مزار بابا رکن‌الدین می‌گفتند. (مهدوی، ۱۳۷۰: ۲۴)

پس از دفن بابا رکن‌الدین تا عهد صفویه گاهی بزرگانی در این مکان دفن می‌شدند اما یقیناً گورستان رسمی شهر اصفهان محسوب نمی‌شده است. زیرا مردم اموات خویش را در همان محله خویش دفن می‌کردند که برخی از بقایای قبرستان‌های متفرقه در محلات اصفهان را امروز هم می‌توان مشاهده کرد. اما از دوره صفویه به دلیل رشد بافت شهری اصفهان، بقاع و تکایای بیشتری در این قسمت از شهر ایجاد گردید و به بزرگ‌ترین گورستان شهر اصفهان تبدیل شد. (بهشتیان، ۱۳۴۱: ۴۴)

برخی مؤرخان معتقدند که تخت فولاد یک محله مسکونی بوده و گورستان کنار آن را مزار بابا رکن‌الدین می‌خواندند. (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۲۲۰)

با گسترش این گورستان و اتصال آن به محله تخت فولاد نام آن گورستان به تخت فولاد تغییر می‌کند.

در دوره شاه عباس دوم تغییر و تحولات فراوانی در محدوده تخت فولاد صورت گرفت. شاه عباس دوم به منظور توسعه شهر اصفهان به بخش جنوبی اصفهان توجه ویژه نمود. زرتشتیان که در جنوب پل تاریخی حسن‌آباد (خواجو) ساکن بودند از این مکان به جنوب جلفا منتقل شدند و با انتقال زرتشتیان به دستور شاه، کاخ‌ها و باغ‌هایی در این قسمت شهر پدید آمد که برخی از مهم‌ترین آنها عمارت‌های هفت دست، آئینه خانه، قصر نمکدان و باغ گلستان و باغ سعادت‌آباد بود.

وی همچنین دستور ایجاد چهارباغی در جاده اصفهان به شیراز را می‌دهد. این چهارباغ که از جنوب پل حسن‌آباد آغاز می‌شد و به دروازه تخت فولاد ختم می‌شده به چهارباغ گبرآباد معروف بوده و شامل باغ کاج، باغ مستوفی، باغ نگارستان و باغ انارستان بوده است.

تخت فولاد در دوره شاه عباس دوم چنان رونق یافت که مهمان‌سراهای متنوع، خانقاه، تکایا و باغ‌های متعدّد در آن به وجود آمد و دو یخچال بزرگ یخ که آب خنک زائرین قبور را تأمین می‌کرد ساخته شد. (شاردن، ۱۳۷۹: ۱۵۷)

اما این رونق با سقوط دولت صفویه و هجوم افغانه به اصفهان پایان یافت و روی به ویرانی نهاد و تنها در مقطعی از دوره قاجاریه روی آبادانی به خود دید. در اوایل دوره قاجار تخت فولاد روستای کوچکی بیشتر نبود و به دلیل وجود باغات متعدّد و سرسبز از نقاط باصفای خارج شهر اصفهان محسوب می‌شد. گورستان تخت فولاد نیز در کنار این روستا و خارج از برج و باروی شهر اصفهان قرار داشت. در دوره عبدالله‌خان (امین‌الدوله) فرزند حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی (متوفی

۱۲۳۶ ق) چهارباغ گبرآباد صفوی احیا و از آن پس به چهارباغ امین‌آباد معروف گردید، در دوره ظل‌السلطان بسیاری از بناهای صفوی در اصفهان تخریب و از بین رفت. اما در همین دوره، سلیمان خان رکن‌الملک نایب‌الحکومه اصفهان اقدام به ساخت مسجد و آب‌انبار رکن‌الملک در محدوده تخت فولاد نمود.

در دوره معاصر خیابان فیض بر بقایای چهارباغ صفوی بنا شد. باغ‌های اطراف خیابان به تدریج به زمین‌های کشاورزی تبدیل گردید که تا سال ۱۳۳۵ شمسی این زمین‌ها موجود بود و از این دوره به بعد با رشد جمعیت، زمین‌های کشاورزی و بقایای عمارت‌ها و باغ‌های صفوی تخریب و به محله‌های مسکونی تبدیل شدند و پس از مدتی این بخش نیز به یکی از محلات مسکونی شهر اصفهان تبدیل گردید. در درون محدوده تخت فولاد به تدریج تکیه‌ها و مقبره‌های خصوصی ساخته شد و قسمت‌های زیادی از آن در تصرف ادارات دولتی و شخصی برای ساختن خانه‌های خصوصی درآمد. این روند تا سال ۱۳۶۳ش. ادامه داشت و در این تاریخ دفن مرده‌ها در این محدوده از شهر ممنوع گردید. در سال ۱۳۷۳ ه. ش محدوده تخت فولاد نیز به عنوان آثار ملی ایران ثبت شد.

۳. نمادهای شاخص مزار تخت فولاد:

۳-۱. نمادهای معنوی-عبادی در تخت فولاد

این سرزمین در طول زمان یکی از متبرک‌ترین و مقدس‌ترین مزارات جهان اسلام در ادوار گوناگون تاریخی بوده است و از جهات معنوی مورد توجه علما و مردم بوده و هست. وجود قبر منسوب به یوشع نبی (علیه‌السلام) و روایاتی که در منابع درباره لسان الارض آمده بر قداست این سرزمین افزوده و علاوه بر این تخت فولاد عبادتگاه بسیاری از علما و عرفا در طول تاریخ بوده است. وجود مصلائی بزرگ شهر، تکایا و بقاع متعدّد و سرانجام مزار شهیدان انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر، این گورستان را به عنوان مکانی معنوی مورد توجه و احترام مردم قرار داده است. برگزاری جلسات دعا و نیایش‌های گوناگون همچون دعای کمیل در شب‌های جمعه در مساجد و بقاع تخت فولاد بر تبرک و قداست آن افزوده است. چنان که مردان و زنان بزرگی در تخت فولاد شب را تا صبح به احیاء و دعا سپری می‌کرده‌اند.

در منابع دوره قاجاریه آمده است: زمانی که اصفهان دچار قحطی و خشکسالی می‌شد علما در تخت فولاد نماز استسقاء می‌خواندند و از خدا طلب باران می‌نمودند. پس از پایان عبادت، خداوند باران را بر مردم نازل می‌کرد. (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۲۸۳)

برپایی نمازهای عید در مصلائی تخت فولاد به اعتبار معنوی آن افزوده است. وجود بقاع و تکایا و مقابر عرفا و علما و دانشمندان بزرگ شیعه به عنوان مرکز معنوی و عبادی تخت فولاد همواره نظر مؤمنان را به سوی خود جلب می‌کند.

۳-۲. کثرت مشاهیر مدفون در آن

این خاک مقدس مدفن شمار فراوانی از مشاهیر، هنرمندان، علما و عرفای برجسته در طول تاریخ

شکل‌گیری آن بوده است که مردم همواره برای زیارت و بهره جستن از برکات این بزرگان به آن توّجّه‌ی خاص داشته‌اند.

از جمله تکایای مشهور در تخت فولاد اصفهان تکیه‌های میرفندرسکی، خوانساری، میرزا محمّدباقر چهارسوقی، میرزا رفیعا، خاتون‌آبادی، سیّدالعراقین، فاضل‌سراب، واله، آباده‌ای، تویسرکانی، جهانگیرخان، میرزا ابوالمعالی کلباسی، بروجردی، ایزدگشسب، شیخ مرتضی ریزی، ملک و گلزار که نخبان علمی مدفون در آنها از بزرگان عصر خویش بوده‌اند.

از جمله عرفا، فلاسفه، فقه‌های شیعه و هنرمندان این تکایا می‌توان به بابارکن‌الدین (متوفی ۷۶۹ق)، ابوالقاسم میر فندرسکی (متوفی ۱۰۵۰ق)، میرزا رفیعا نائینی (متوفی ۱۰۸۲ق)، آقا حسین خوانساری (متوفی ۱۰۹۸ق)، میرمحمّد اسماعیل خاتون‌آبادی صاحب تفسیر کبیر (متوفی ۱۱۱۶ق)، آقا جمال‌الدین خوانساری (متوفی ۱۱۲۲ق)، مولانا محمّد بن عبدالفتاح تنکابنی مشهور به فاضل سراب (متوفی ۱۱۲۴ق)، بهاء‌الدین محمّد اصفهانی معروف به فاضل هندی (متوفی ۱۱۳۵ق)، درویش عبدالمجید استاد خط شکسته (متوفی ۱۱۸۵ق)، حکیم آقا محمّد بیدآبادی (متوفی ۱۱۹۷ق)، حاج صادق تخت فولادی (متوفی ۱۲۹۰ق)، آقا محمّد کاظم واله اصفهانی (متوفی ۱۲۹۹ق)، محمّدحسین عنقا ملقب به ملک‌الشعرا (متوفی ۱۳۰۸ق)، آقامیرزا محمّدباقر چهارسوقی صاحب روضات‌الجنات (متوفی ۱۳۱۳ق)،

جهانگیرخان قشقایی (متوفی ۱۳۲۸ق)، حاج میرزا آقا امامی هنرمند مینیاتوریست (متوفی ۱۳۷۵ق)، سیّد محمّد صدر هاشمی نویسنده و موزخ (متوفی ۱۳۸۴ق) و از بانوان مریم بیگم معروف به «مادر شاهزاده» (متوفی ۱۲۴۶ق)، شهربانو دختر شیخ محمّد تقی رازی، نسمة خاتون دختر شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، بانو نصرت‌السادات امین (بانوی مجتهده جهان اسلام) (متوفی ۱۴۰۳ق) اشاره کرد.

وجود بیش از هزار تن از مشاهیر مدفون در این مجموعه یکی دیگر از دلایل اهمّیت این گورستان است.

۳-۳ تنوع طرح و سبک‌های معماری بناها در دوره‌های گوناگون تاریخی

یکی از ابعاد مهم تخت فولاد جایگاه آن در معرفی تاریخ هنر و معماری ایران می‌باشد. وجود آثار و ابنیه معماری شاخص با سبک‌های گوناگون از ادوار مختلف تاریخی به‌خصوص از دوره صفویه به بعد، همچون بناهای آرامگاهی، مساجد، آب‌انبار، کاروان‌سرا و عناصر معماری همچون سقاخانه، سنگاب و بادگیر که ایجاد آنها با اندیشه و باورهای دینی و ارزش‌های معنوی جامعه پیوند خورده، شاهدهی بر این مدعا است.

گورستان تاریخی تخت فولاد با تعداد زیادی از تکایا، مقابر، مساجد، آب‌انبارها، کاروان‌سراها، سنگ‌آب‌ها و سقاخانه‌ها با سبک معماری و تنوع در نقشه و طرح آنها از اهمّیت ویژه‌ای برخوردار است. تکایای موجود در این مجموعه را از نظر تاریخی می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد:

۱ - دوره‌ی صفوی

از این دوره هفت تکیه: بابا رکن‌الدین، خوانساری، میرزا رفیعا، خاتون‌آبادی، میرفندرسکی، فاضل سراب و آقا رضی باقی‌مانده است. مجموعه تکایای دوره صفوی از معماری نقشه و تزیینات خاصی برخوردار بوده‌اند، به‌ویژه اینکه تنوع پلان و معماری این تکایا را در کمتر بناهای دیگر اصفهان می‌توان مشاهده کرد.

۲ - دوره قاجار

تکایای به جای مانده از دوره قاجار بیست عدد است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از تکیه‌های شیخ محمدتقی رازی، آقا محمّد بیدآبادی، میرزا ابوالعالی کلباسی، تویسرکانی، حاج محمّدجعفر آبادی، سیدالعراقین، حاج آقا مجلس و کازرونی و... . معماری این تکایا با معماری بناهای دوره صفوی شباهت‌هایی دارد. نقشه پاره‌ای از این بناها از داخل و خارج دارای پلانی هشت ضلعی است که گاه با استفاده از هشت ستون سنگی در داخل بقاع اصلی و گنبد باواسطه بر روی آنها قرار گرفته و در تزیینات این تکایا از گچ‌بری، کاشی، خشت، معزق و معقلی (آجر و کاشی) با نقوش زیبا و متنوع استفاده شده است.

۳ - دوره‌ی پهلوی

تکایای دوره پهلوی بالغ بر هفده تکیه است که از مشهورترین آنها می‌توان به تکایای بروجردی، معارفی، گلزار، مقدّس، حجت نجفی، کرمانی اشاره نمود. از اواخر دوره قاجاریه روند خصوصی‌سازی و خانوادگی شدن تکایای تخت فولاد رشد بیشتری یافت.

۴ - دوره‌ی جمهوری اسلامی

در این دوره مقابر و بقاع بسیاری در تخت فولاد تأسیس و مرمت شده است که با استفاده از پلان و معماری سنتی احداث و با تزیینات کاشی‌کاری نیز آراسته شده‌اند. آرامگاه بانو امین، آرامگاه شهید شمس‌آبادی، آرامگاه حاج آقا رحیم ارباب، آرامگاه شهید اشرفی اصفهانی، آرامگاه فاضل هندی، آرامگاه ملاّ اسماعیل خواجهویی، آرامگاه جهانگیرخان قشقایی و مزار بابرت گلستان شهدا که با بیش از ۷۳۰۰ شهید در این سرزمین مقدّس شکل گرفته و گسترش یافته است و شهدای عزیز بسیاری پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدّس در این تکیه آرمیده‌اند.

عناصر برجسته معماری تخت فولاد

الف) مساجد

در تخت فولاد که محلی آرام و خلوت برای عبادت بود مساجدی از دوره صفوی به بعد ایجاد گردید که هریک از لحاظ معماری دارای ارزش و اهمّیت است. مساجد تاریخی موجود تخت فولاد عبارت‌اند از: ۱) مسجد میرمحمد اسماعیل خاتون‌آبادی (از دوره صفویه) ۲) مصلی که در زمان صفویه اهمّیت

فراوان داشته و جهت نماز استسقاء و در برخی اعیاد مردم در آن جمع می‌شدند. مقصود کوچک این مسجد مربوط به زمان آق قویونلو بوده که به مرور زمان تخریب گردیده و در دوره قاجاری تعمیرات کلی شده است. (۳) مسجد تکیه‌ی کارزونی (دوره قاجار) (۴) مسجد رکن‌الملک (ساخت ۱۳۱۸ ه. ق) که گنبد و شبستان و سر در ورودی آن از آثار زیبای معماری موجود در تخت فولاد است.

ب) آب‌انبارها

از آنجا که آب چاه‌های تخت فولاد شورمرزه و عمق دست‌یابی به آب در این منطقه زیاد بوده است ناگزیر به استفاده از آب‌انبار بوده‌اند. معماری آب‌انبارهای تخت فولاد نشان می‌دهد که از آب مادی‌هایی که در منطقه تخت فولاد جاری بوده، پُر می‌شده‌اند و در تابستان و خشکسالی‌ها از آب‌انبارهای موجود استفاده می‌شده است. آب‌انبارهای تاریخی و هنری تخت فولاد عبارت‌اند از: (۱) آب‌انبار تکیه کارزونی (۲) آب‌انبار مسجد رکن‌الملک (۳) آب‌انبار مسجد مصلی. مربوط به دوره قاجاریه و تاریخ آن به حدود ۱۲۹۰ ه. ق. می‌رسد (۴) آب‌انبار تکیه لسان الارض که مربوط به دوره صفویه و شاید قبل از آن دوره می‌باشد. (مه‌دوی، ۱۳۷۰: ۳۴)

ج) مادی‌ها

برای مشروب کردن اراضی و باغات در محله تخت فولاد چند مادی از زاینده‌رود آب می‌گرفته است. ۱- مادی آب دویست و پنجاه که شاخه‌ای از مادی شایج بوده است. مادی شایج از مقابل کوه دنبه در غرب اصفهان از رودخانه جدا می‌شده و دیه‌های مهم دستگرد، حسین‌آباد، فرح‌آباد، سیچان و کوله پارچه را مشروب می‌کرده است. (مه‌ریار، ۱۳۸۳: ۵۱۰) در وجه تسمیه این مادی گفته‌اند که چون ۲۵۰ جریب از اراضی باغ سعادت‌آباد و گبرآباد از این نهر سهم می‌برده به این نام شهرت یافته است. آب‌انبار مسجد رکن‌الملک و آب‌انبار کارزونی را این مادی پر می‌کرده است. نهرهای مشهور دیگر «جوی سیاه»، «جوی سفید»، بوده که آب، آب‌انبارهای مصلی و لسان‌الارض را تأمین می‌کرده ولی پس از صفویه این نهرها خشک شده است. (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۴۲)

به این ترتیب مادی‌های تاریخی از دیگر گنجینه‌های تاریخی تخت فولاد محسوب می‌شود.

د) سقاخانه‌ها و سنگاب‌ها

سقاخانه‌ها و محل‌های آوردن آب را به حضرت ابوالفضل، فرزند بزرگوار حضرت علی علیه السلام منسوب می‌کنیم و در آن مکان به عنوان مکان مقدس دعا می‌خوانیم و حاجت طلب می‌کنیم. گذشتگان در سقاخانه‌ها شمع می‌افروختند و چراغ آن را همیشه روشن نگاه می‌داشتند. بر در و دیوار آن تصویرهای مردان خدا و تابلوها و دعا‌های خوش‌خط و زیبا را آویزان می‌کردند، مگر در جاهایی که تشنگی‌ها بر طرف می‌گردد، دعا مستجاب نمی‌شود؟

«وجعلنا من الماء کل شیء حی» و هر چیز را از آب زنده گردانیدم (سوره انبیاء آیه ۲۰) در ادب عامه (فور کلور) جامعه ما مطالب مربوط به آب و باران فراوان است و مردم اعتقادات خاصی درباره آب دارند. کشاورزان ایران معتقدند که آب کابین فاطمه زهرا است و مالیات آن عمومی است (دادمهر، ۱۳۷۸: ۸).

مؤمنین به سبب سیراب نمودن تشنگان و یادآوری مظلومیت و تشنگی غمبار حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام و به قصد پاداش اخروی سنگاب و سقاخانه‌ها را می‌ساختند. سقاخانه، این ساحت پاک و مقدس این جگرپاره باور مردم، مکانی که نامش یادآور گلوهای تشنه و سیراب شده است و منظرش از خنکای طراوت و نمناکی فضا، تا وجود آب و خیسی در و دیوارش حکایت گر سرگذشت ویژه خود است.

سقاخانه، محلی که هنوز مردم بر آن دست و پیشانی و لب می‌سایند تا مراد خود را گیرند. این تراوشگاه اندیشه یقین و حاجت که بامدادان تواضع گاه عابران مصفا بوده و پسین گاهان پذیرای خسته از سرکار آمدگان روز به پیاله‌ای آب سقاخانه تصمیم عینی پاره‌ای از فرهنگ و اعتقادات دینی مردمان این دیار است که با هر گره و قفل و نشانی به در و دیوارش پیداست، داستانی از آرزوها و گرفتاری حاجتمندان را در بر دارد. در فرهنگ سقاخانه نگاه به زندگی جور دیگری است. اگر چه آدم‌ها خود را از آن سیراب می‌سازند ولی قفل می‌کنند تا کلید بن‌بست‌های زندگی‌شان را بجوبند. گره می‌زنند تا گره کارشان گشوده شود. نشانی می‌کوبند تا دست اقبالی در بختشان را بکوبد. شمع می‌افروزند تا تیرگی را بنده سازند. پول می‌ریزند تا فرضشان ادا گردد و به‌عین می‌بخشند تا به ذهن طلب کنند (همان: ۴۱-۴۲).

از نظر موقعیت مکان سقاخانه اتاقی است به ابعاد متفاوت و اکثراً سقاخانه‌ها موقوفاتی است که از سوی مردمان خیر وقف آب‌رسانی به همگان شده است. سقاخانه اکثراً در اتاقی است با در و پنجره ارسی (کشابی) که هنگام نیاز، آنها را بالا و پایین می‌برند و به‌وسیله نقوش مشبک و زیبایی هنر گره‌چینی زینت یافته است. نقوش به کار رفته بیشتر به صورت آلت مربع چهارگوش، آلت گره چهار قل، آلت گره جعفری، آلت گره جعفری چهارگوش آلت هندسی گره دروازه (همان: ۴۳).

سقاخانه‌ها سنگاب‌هایی دارند به صورت مستطیلی که گودی آن به عمق چهل الی هشتاد سانتیمتر و بلندی بیرون آن تا یک متر می‌رسد و هم کف جلوی سقاخانه در دسترس مراجعین تعبیه می‌شد و سوراخی در کف برای تخلیه آب قرار داشت.

در تخت فولاد نمونه‌هایی از این آثار هنری ارزشمند وجود دارد که از نظر تاریخی و هنری ارزش و اهمیت فراوانی دارند: سقاخانه ارزشمند تکیه‌های میر، کاررونی، آغاباشی و سنگاب‌های تاریخی تکیه‌های بابا رکن‌الدین، آباده‌ای، شیخ محمّدتقی رازی و میر از این جمله‌اند.

سنگاب‌ها

«تفاوت سقاخانه و سنگاب در آن است که آب سقاخانه‌ها از چاه حفر شده در کنارش تأمین می‌شد. ولی آب سنگاب را از محل دیگری با ظرف حمل و به داخل آن می‌ریختند. علاوه بر این سقاخانه از حرمت و تقدّس ویژه‌ای نزد مردم برخوردار بوده‌اند و حال آنکه سنگاب‌ها چنین ویژگی را ندارند.» (دادمهر: ۴۷-۴۶ و ۱۵۵)

سنگاب، سنگی توخالی است قحح مانند که در فضای باز حیاط مساجد، امامزاده‌ها و دیگر اماکن مذهبی بر پایه سنگی استوار می‌شود و آب در میان آن می‌ریزند تا در هنگام تجمع جهت برپایی آئین‌های مذهبی، مردم از آن بهره جویند. سنگاب‌ها جهت دسترسی افراد به آب برای رفع

عطش و وضو گرفتن بوده که توجه به پاکی و طهارت در اماکن مقدس را تداعی می‌کند. سنگاب‌ها جهت دسترسی افراد به آب برای رفع عطش و وضو گرفتن بوده که توجه به پاکی و طهارت در اماکن مقدس را تداعی می‌کند. سنگاب‌ها عموماً گرد و کاسه‌ای و یا مکعبی شکل می‌باشند و برخی از این نمونه‌ها و خصوصاً نمونه‌های گرد با نقوش زیبایی حجاری و تزیین شده‌اند. سنگاب‌ها را افراد خیر به صورت وقف در دسترس مردم قرار می‌دادند و معمولاً وقف‌نامه آن بر بدنه سنگاب حک می‌شده که تاریخ و نام واقف بر آن ذکر گردیده است.

گورستان تخت فولاد هم به واسطه وجود مقابر بزرگان و قداست مکانی مورد توجه مردم بوده و سنگاب‌هایی در این منطقه قرار گرفته است. سنگاب‌های موجود در تخت فولاد مکعبی شکل هستند و به لحاظ هنر حجاری ساده می‌باشند.

سنگ‌هاب‌های موجود در تخت فولاد:

- ۱- سنگاب تکیه آباده ای
- ۲- سنگاب تکیه آغاباشی
- ۳- سنگاب تکیه با بارکن الدین
- ۴- سنگاب تکیه زرگرها
- ۵- سنگاب تکیه شیخ محمد تقی رازی
- ۶- سنگاب تکیه میر

و) کاروان‌سرای تخت فولاد

این بنا متعلق به عصر صفوی بوده و در مسیر راه اصفهان به شیراز قرار داشت. بانی آن اسفندیار بیگ ترکمان از سرداران شاه عباس صفوی بود و از آنجا که در عصر قاجار توسط حاج محمّد ابراهیم ملک‌التجار مورد تعمیر قرار گرفت به نام کاروان‌سرای «ملک» هم خوانده می‌شود. مساحت این کاروان‌سرا حدود ۲۷۰۰ متر مربع می‌باشد. این بنا محل استراحت کاروان‌های تجاری بوده، بنا از نوع چهار ایوانی است و سردر باشکوه بنا با ارتفاع بلند و آجرکاری زیبایش خودنمایی می‌کند. اما از دوره قاجار به بعد به انبار کالاهای گوناگون تبدیل شد. از اساسی‌ترین مشکلات و مسائل این بنا وضع حقوقی آن است. زیرا که تولیت و نظارت دقیقی بر این بنا اعمال نمی‌شود و از این رو به مغازه‌های شخصی افراد مختلف تبدیل گردیده است که به دلیل شاخص بودن بنا و قدمت تاریخی آن باید در حفظ، مرمت و بازسازی آن اقدام شود. (ولی‌بیگ، ۱۳۷۹: ۵۰)

۴) جلوه‌های هنری در تخت فولاد

تخت فولاد در ادوار گوناگون تاریخی تجلی‌گاه زیباترین شاهکارهای هنری بوده است. این مکان روزگاری بزرگ‌ترین خوشنویسان، حجاران و هنرمندان را به خود جذب می‌کرد تا در آن از هنر خطاطی بی‌نظیر میرعماد در تکیه میرفندرسکی و آقا محمّدباقر سمسوری در تکیه مادر شاهزاده تعلیم گیرند. برخی از وجوه زیبای هنری در تخت فولاد عبارت‌اند از:

الف) نقوش و نمادها:

تخت فولاد آلوم بی نظیری از نقوش تزیینی و نمادی است. نقوش و نمادهای موجود در تخت فولاد رامی توان به دودسته تقسیم بندی کرد:

۱) نقوشی که در تزئین بناها بکاررفته و شامل طرح های اسلیمی و تزئینات نمای بقعه ها می باشد.

۲) نقوشی که در تزئین سنگ قبور به زیبایی و ظرافت تمام حجاری شده است. نقوش سنگ مزار، بیانگر هویت متوفی است که مزین به خط و نقشی دل انگیز و گویای هنر و اندیشه و فرهنگ عصر وی می باشد.

برخی از حجاری های سنگ مزارها نقش برجسته بوده و شماری دیگر نقش فرو رفته، برخی داده ظرافتهای هوشیارانه و برخی دیگر حاوی نقوش و علامات حجاری شده که تمامی این حجاری ها رابطه مستقیمی با تفکرات آدمیان داشته اند و دقیقاً با ویژگیهای بومی منطقه همخوانی دارد. شکل سنگها و نقوش حجاری شده روی آنها همگی گواه بر معانی ریشه دار وابسته به اعتقادات و سنت گذشتگان هستند. (خسروزاد، ۱۳۷۷: ۷۷)

نقش سنگ قبر هر متوفی پیش از آنکه گویای مرگ وی باشد نشانه زندگی جاودانه اوست. در مرحله اول اطلاعات روی سنگ مزار است. این دسته از اطلاعات برای پژوهشگر مردم شناسی، خود از اهمیت خاص دیگری برخوردار است. چرا که نام افراد و طوایف مختلف یا اطلاعات بر روی سنگ به همراه یکدیگر منابع خبری مستند دسته اولی را تشکیل میدهند که میتوانند حلقه های مفقوده رشته زنجیری را با خود به همراه داشته باشند.

در مرحله بعد، نقوش بر سنگ مزارها از اهمیت خاصی برخوردار است. در یکی تقسیم بندی کلی این نقوش را میتوان به شرح زیر طبقه بندی کرد:

الف- نقوش انسانی ب- نقوش حیوانی ج- نقوش تزیینی و انتزاعی د- نقوش اشیا و ابزار در ذیل به معرفی چند نمونه از هزار نمونه نقوش ممتاز حجاری شده بر سنگ قبور تخت فولاد بر اساس تقسیم بندی فوق می پردازیم:

- نقوش انتزاعی

تازیان معتقد بودند که بهترین احترام برای مردگان این است که به قبر آنها هر چه بیشتر آب بپاشیم. این عمل بسیار متداول بود و غالباً بستگان و دوستان متوفی به نوبت این کار خیر را انجام می دادند. (راوندی، ج: ۶، ۳۳۱)

قسمتی از سنگ قبور در بعضی از قبور گود می شود تا وقتی آب بر گور می پاشند آب در آنجا جمع شود و پروندگان بنوشند شاید یکی از پروندگان روح همان متوفی باشد. در فرهنگ عوامانه مان روح را به پرونده تشبیه کرده ایم. چون فعلی که روح انجام می دهد پرواز است. پرواز از پرونده است که به صورت مرغی تصور شده که از کالبدی می گریزد یا پرواز می کند.

بیشتر سنگ لوحها قبوری هستند از عهد صفوی. شاید زیباترین فکر در ساخت و پرداخت یک سنگ قبر از همان دوره است. این سنگ قبر (تصویر آخر مقاله) نمادی از پنجره است. وقتی

نگاه کنیم درخت سروی را می‌بینیم نیم غرقه در آب، وقتی حوض پر شد درخت سرو نیمه مخروطی کامل می‌گردد و بلندای آسمان در ژرفای زمین تکرار می‌گردد و تصویر آسمان در آن اعماق از خاک و استخوان‌ها گذشته است و استخوان مانعی بر سد عبور نور نمی‌شود. ژرفای زمین به اندازه بلندای آسمان در آیین آب بر درخت. حال بیا و ببین که پرندگان بر درخت سرو می‌نشینند آب می‌نوشند و پرواز می‌کنند. (موسوی فریدنی، ۱۳۷۴: ۱۴۰)

این نشانه‌ها مختص روی سنگ نبود، بلکه قبور آجری ساده هم چنین هستند. نکته جالبی در رابطه با مشخص نمودن قبور زنان و مردان از یکدیگر وجود دارد و آن اینکه در بسیاری از قبور سمت بالای سنگ را برجسته می‌نمودند و در بعضی دیگر از قبور بالا و پایین سنگ هر دو برجسته می‌کردند که این نشانه‌ها جهت مشخص نمودن قبر زن از مرد است (حمیدی، ۱۳۷۰: ۶۸)

- نقوش تزیینی

نقش سرو که عموماً در داخل گلدانی جای گرفته و کل این نقش درون محراب قرار گرفته به تعبیرات گوناگونی از این نقش صورت گرفته از جمله نگاه به بالا، اعتقاد به دوران پس از مرگ، شعله شمع، قندیل در داخل محراب شعله آتش، زندگی جاوید که در بعضی قبور با نقش کروی سرو شده، این حالت را بیشتر القا می‌کند. نقش گل و برگ درختان در هر سنگ قبر نشانه سبزی و زندگی است. گلاب‌پاش و قندان و پرنده (بلبل) نشانه میل و عشق به زندگی و گواه ایمانشان به از سر گرفتن زندگی در جهان دیگر است. (هوشنگ پور، ۱۳۴۲: ۳۱)

در بخش دیگر از سنگ مزارها نقش سرو ساده شده است و آن سادگی با گل و برگ‌های تزیینی آراسته شده است. نقش و نگار این مزارها یادآور نقش و نگارهای بهترین فرش‌های دوره صفوی است.

بدیهی است که هنرمندان سنگ‌تراش در کار خود از نقش و نگارهای فرش متأثر بوده‌اند. با این تفاوت که بافنده قالی در کنار بافتن آن نقش و نگارها، سر و کارش با پشم و ابریشم نرم و سبک است ولی سنگ‌تراش با مرمری سخت و سنگین چنین هنری رامی‌آفریند. (همان، ۲۹)

- نقوش حیوانی

به غیر از این نقوش، قراردادن پیکر شیر بر مزار شخص متوفی است که نشانه شجاعت و پهلوانی اوست که اغلب شمشیری در کمر و قلاب‌های در گردن شیر یا کباب‌های بر بدن او نقش است. در بعضی موارد در دهان شیر چهره انسان حک شده است. از این نمونه شیرها در تخت فولاد و در چند قبرستان تاریخی دیگر اصفهان نیز یافت شده که به مناطق گوناگون انتقال یافتند و دو نمونه از آنها در کنار پل خواجه قرار دارند. (حمیدی، ۱۳۷۰: ۸۲)

در نقوش دیگر خصوصاً در لرستان نقش سوار و نیز کمان است که بر روی سنگ کنده و آن را به طور عمودی و بالا سنگ اصلی که روی قبرها کار می‌گذاشتند. این نقوش به نشانه دلآوری و جنگ‌آوری و نقش سوار و شکار نشان شجاعت و شکارگری شخص متوفی بوده است.

- نقوش اشیا و ابزار

علاوه بر نقش و نگارهای ذکر شده در بعضی موارد نقوشی بر قبر متوفی حک شده که نشان‌دهنده شغل او بوده است از جمله: قیچی و سوزن و پارچه نشان‌دهنده خیاط، ساتور و چاقو قصاب، از این گونه نقوش بر قبور ارامنه نیز وجود دارد.

مهر و تسبیح نشانه ایمان مذهبی صاحب قبر است. شانه موی سر نشانه پاکي و آراستگی که هر گاه آن شانه یک‌پهلوی باشد صاحب قبر مرد و اگر دو‌پهلوی باشد زن بوده است. (هوشنگ پور، ۱۳۴۲: ۳۱) در دوران قاجار و متأخرتر نقوش ذکر شده کم و بیش تکرار گشته است. نقشی که به‌وضوح بر قبر مربوط به قرون سیزده و دوازده دیده می‌شود، گلدان‌های پر از گل است. اما به‌طور کلی از حجم نقوش روی مزار کاسته شده و بیشتر شعر و آیات قرآن روی سنگ را مزین نموده‌اند. ولی خط معمول در این دوره نستعلیق است در حالی که در زمان صفویه بیشتر خط ثلث معمول بوده است. (همان: ۳۱)

- نقوش انسانی

در تخت فولاد هر قبر یک آدم است با فردیت خودش. دو تا آدم نیستند که لباسشان مثل هم باشد. قیافه‌شان مثل هم باشد، خواستگاه اجتماعی‌شان مثل هم باشد. در تخت فولاد این فردیت را از هر لحاظ نگاه می‌کنیم. از نقش سنگ قبرش که تکراری نیست از محلی که دفن شده و... (موسوی فریدنی، ۱۳۷۴: ۱۴۲)

با توجه به آنچه در خصوص نقوش حک شده بر روی سنگ قبور بیان شد می‌توان گفت بخشی از اسناد بسیار مهم در بررسی و پژوهش پیروان اندیشه و فرهنگ و هنر و جامعه‌شناسی و حتی روان‌شناسی تاریخی، مردم اصفهان در طی سده‌های گذشته، توجه به سنگ قبور موجود در تخت فولاد به عنوان منابع تحقیق حائز اهمیت می‌باشد. به دیگر سخن هر طفل نقشی که در قنداقه سنگ غنوده است روایت گر گوشه‌هایی از دقایق و ظرایف گوناگون زندگی علمی، فرهنگی و اجتماعی مردمان روزگار گذشته است.

ب) یادگارا و آثار خوشنویسان برجسته بر سنگ مزارهای ارزشمند در تخت فولاد:

در تخت فولاد آثار خوشنویسی بسیار ارزشمند و نفیس هنرمندان برجسته عرصه خوشنویسی بر مزار بزرگان علمی، ادبی، هنری موجود می‌باشد که دور از چشم‌ها مانده‌اند. ذکر چند نمونه ذیل نشان از این واقعیت دارد:

- سنگ مزار آقا محمدکاظم واله اصفهانی / اثر آقا محمدکاظم واله اصفهانی / آرامگاه واله
- سنگ مزار ملاعلی اکبر اژه‌ای / اثر محمدکاظم نیریزی / مقبره ملاعلی اکبر اژه‌ای
- سنگ مزار آقا محمد بیدآبادی / اثر محمدتقی خوشنویس / بقعه آقا محمد بیدآبادی
- سنگ مزار میرزا ابوالحسن سلطان الاطباء / اثر زین‌العابدین اشرف الکتاب / بقعه شیخ محمدتقی رازی
- سنگ مزار مریم بیگم / اثر آقا محمدباقر سمسوری / بقعه شیخ محمدتقی رازی
- سنگ مزار حوری نسا بیگم / اثر محمدحسین ضیاء / بقعه خوانساری

- سنگ مزار محمد رحیم شیخ الاسلام / اثر محمد حسین ضیاء / بقعه خوانساری
- سنگ مزار میر محمد صادق خوانساری / علیرضا آقا جان (پرتو) / بقعه شیخ محمد تقی رازی
- سنگ مزار حاج محمد حسن واعظ / اثر سلطان الکتاب / تکیه خوانساری
- سنگ مزار آقا محمد جواد مذهب باشی / اثر عبدالوهاب / تکیه میرفندرسکی
- سنگ مزار سید عبدالحسین سید العراقین / اثر حسام الواعظین / بقعه سید العراقین (قدسی، س ۱۰: ۵۰-۵۲)

ج) ماده تاریخ

تخت فولاد عرصه‌ای از تجلی شعر و ادب خصوصاً در زمینه ماده تاریخ می‌باشد و بر بسیاری از سنگ قبر بزرگان مدفون اشعاری سروده شده که ماده تاریخ وفات آنها نیز در ضمن آن آمده است و نمونه اشعار بسیاری از ادبا و شاعران خصوصاً در زمینه ماده تاریخ در دل سنگ قبور و کتیبه‌های موجود در تخت فولاد می‌باشد.

سنگ مزار حوری نسا بیگم

بهر تاریخ وفاتش رقم زد، کلک ضیاء
ریختی حوری نسا را زهر ناکامی بجام (۱۲۴۹)

سنگ مزار سید محمد باقر موسوی خوانساری (صاحب روضات الجنات)

خلف سرود به تاریخ وفاتش این مصرع
مقام برد بفر دوس حجه الاسلام (۱۳۱۳)

سنگ مزار آقا محمد بید آبادی

قبله ارباب علم آقا محمد شد ز دهر
برگزیده عالم عارف شد از دنیای دون (۱۱۹۷)

سنگ مزار ملا علی اکبر اژه‌ای

اکبر اهل علم رفته از عالم (۱۲۳۲)

سنگ مزار مریم دایه سیف‌الدوله (مادر شاهزاده)

ضیا از بهر تاریخش رقم زد
به حوران همنشین کرد مریم (۱۲۴۶)

سنگ مزار شیخ محمد تقی رازی

از پی تاریخ آن کلک ضیا زد رقم
راهنمای امم کرد بجنّت (۱۲۴۸)

نتیجه گیری

آرامگاه‌ها و آثار هنری موجود در آن قدمتی بس دیرینه در فرهنگ و تمدن بشری و از جمله ایران زمین دارند اما تنها از منظر تاریخی، باستان‌شناسی و ویژگیهای معماری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تزئینات موجود در آرامگاهها به واسطه ماندگاری و تداوم حیات، یکی از منابع مهم بررسی هنرهای تزئینی در فرهنگ و هنر ایران به شمار میروند. قبرستانهای کهن و بزرگ مثل تخت فولاد اصفهان گنجینه‌های از نمادها و نشانه‌های تصویری، هنرهای تزئینی همراه با حجاریهای نفیس هستند که هنرمندان و پژوهشگران را به سوی خود فرا میخوانند. از ویژگیهای تخت فولاد میتوان به همگرایی این مجموعه آرامگاهی با فضای هنر و معماری شهر اصفهان اشاره نمود. بدین صورت که هم معماری و هم نقوش شکل گرفته بر مزارات، در امتداد سیر تاریخ هنر و تحولات معماری و تزئینات ایرانی-اسلامی پیش رفته‌اند. از دیگر مواردی که تنوع نقوش در تخت فولاد را باعث شده، میتوان به تعدد تکایا، کثرت سنگ مزارات موجود و همبستگی میان آنها اشاره کرد. توجه طراحان، خوشنویسان و حجاران برجسته به این مکان مقدس از دیگر عواملی است که به نقش مایه‌های تکایا، بقعه‌ها و قبور تخت فولاد تنوع و ارزش والایی بخشیده است.

حجاری قبور در تخت فولاد بر پایه فرهنگ و هنر ایرانی-اسلامی شکل گرفته و گنجینه‌های از تزئینات و آرایه‌ها را به وجود آورده است. بیاغراق میتوان ادعا نمود که آرامگاهها و سنگ مزارات تختفولاد به تنهایی اکثر سمبلها و نقش مایه‌های مرتبط با قبور را که در تمامی ایران پراکنده‌اند، یک جا در خود جای داده است و برآستی تنوع و تکثر نمادها و نشانه‌های تصویری در مزارات این آرامگاه آنچنان است که برای نقوش ماندگار شده در هر سنگ مزار یا آرامگاه، تفاسیر بسیار عمیق و مختص بخود را طلب مینماید.



کتاب‌نامه

قرآن کریم

الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا (۱۳۶۸). **نصف جهان فی تعریف الاصفهان**. به تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات امیر کبیر.

بهشتیان، عباس (۱۳۴۱). **بخشی از گنجینه آثار ملی اصفهان، انجمن آثار ملی اصفهان، اصفهان: چاپخانه حیل المتین.**

جابری انصاری، میرزا حسن (۱۳۲۱). **تاریخ اصفهان و ری و همه جهان**، اصفهان: عماد زاده.

----- (۱۳۷۸). **تاریخ اصفهان**، با تصحیح جمشید مظاهری، اصفهان: مشعل.

حمیدی، ساغر (۱۳۷۰). **بررسی ومطالعه سنگ‌های تاریخی تخت فولاد**، اصفهان: دانشگاه پردیس اصفهان.

خسرو نژاد، پدram (۱۳۷۷). «سنگ‌های مزار از پنجره مردم شناسی هنر»، **مجله کتاب ماه هنر**، شماره یک، صص ۳۴-۷۶.

داد مهر، منصور (۱۳۷۸). **سقاخانه‌ها و سنگ‌های اصفهان**، اصفهان: انتشارات گلها.

راوندی، مرتضی (۱۳۶۳). **تاریخ اجتماعی ایران**، تهران: امیرکبیر.

شاردن (۱۳۷۹). **سفرنامه**، ترجمه حسین عریضی، اصفهان: نشر گلها.

عقیلی، سیداحمد (۱۳۸۵). **تخت فولاد اصفهان**، اصفهان: مجموعه فرهنگی تخت فولاد.

قدسی، بهزاد (۱۳۸۱). «لوح مزارهای رقم دارتخت فولاد»، **مجله وقف میراث جاویدان**، ش ۱۰، ش ۲: صص ۴۵-۶۱.

موسوی فریدنی، محمدعلی (۱۳۷۴). **اصفهان ازنگاهی دیگر**، اصفهان: نقش خورشید.

مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۷۰). **سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان**، اصفهان: انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان.

مهریار، محمد (۱۳۸۳). **فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان**، اصفهان: نشر فرهنگ مردم.

نورصادقی، سیدحسین (۱۳۵۴). **اصفهان**، اصفهان: انتشارات نقش.

ولی بیگی، نیما (۱۳۷۹). **کاروان‌سرای تخت فولاد**، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۱). **تاریخ اصفهان** (مجلد ابنیه و عمارات)، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: نشر هما.

هوشنگ پور، کریم (۱۳۴۲). «سنگ مزارهای ایران»، **مجله هنر و مردم**، ش ۱۲، صص ۱۲-۴۴.



فصل نامه
علمی
مطالعات
بسیاسی و
امکان
متبرکه